

شخصیت شناسی احمد بن ادريس قمی

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۱۰ تاریخ تأیید: ۹۴/۱۰/۱۵

سید جمال الدین موسوی*

چکیده

احمد بن ادريس قمی از طایفه اشعری و از راویانی است که او را به وثاقت ستوده اند. دارای کتابی به نام نوادر بوده و جنبه انتقال دهندگی میراث حدیثی اصحاب در او برجسته است. وی میراث روایی فراوانی را از حوزه کوفه و مناطقی مانند نیشابور با واسطه احمد بن محمد بن عیسی و به همراه افرادی مانند سعد بن عبد الله، حمیری و محمد بن یحیی العطار و یا به طور مستقیم به قم انتقال داده است. در بسیاری موارد از افراد متهم به جعل و وضع و غلو روایت نموده و مانند استادش احمد اشعری هیچ گاه چنین اتهاماتی متوجه خود او نبوده است. بررسی روایات احمد بن ادريس از بهترین شواهد بر متن محور بودن قدما در پذیرش و یارد روایات است.

واژگان کلیدی: احمد بن ادريس، حوزه حدیثی قم، میراث حدیثی کوفه

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث (پژوهشکده کلام اهل بیت (ع))

راویان حدیث شیعه، میراث بانان فرهنگ تشییع هستند که با کوشش و مجاهدت خستگی ناپذیر خود، این میراث گران بها را به نسل های بعدی خود منتقل کرده اند. این ویژگی در دوره غیبت صغرای امام دوازدهم اهمیت خاصی پیدا می کند، زیرا دوران حضور امام معصوم در میان مردم به سر آمده و شیعیان در حیرت و سرگردانی به سر می برند و تنها راه ارتباط با امام، از طریق نایب خاص می باشد. در این دوره بر اثر وسعت و پراکندگی جغرافیایی شیعه که در سجستان و طبرستان و قم و برخی نواحی خراسان و خوزستان و کوفه و دیگر شهرها وجود داشت و همچنین ضعف حکومت مرکزی و وجود فتنه و آشوب های مختلف در بلاد اسلامی و پیدایش مدعیان ارتباط با امام عصر و فرق مذاهب گوناگون عقیدتی، بنیان نهادن فرهنگ اصیل شیعی و نظریه های اعتقادی و فقهی بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام امر مهمی به شمار می آمد و این کار فقط از عهده علما، فقهاء و راویان شیعه بر می آمد.

احمد بن ادریس قمی یکی از راویان مکتب حدیثی قم است که دوران حضور معصوم را درک کرده و بیش از نیمی از عمر خود را در دوران غیبت صغری گذرانده است.

درباره این راوی نیز، مانند بسیاری از راویان دیگر، بررسی جامع و مفصل انجام نشده است و در کتب رجال و تراجم جز چند سطر که در تمامی کتاب ها مشترک است، مطلب دیگری به چشم نمی خورد. شاید علت این امر، اندک بودن مطالب و منابع در این زمینه است اما به هر حال می توان با مراجعه به کتب رجال و منابع فهرستی، اطلاعاتی هر چند اندک یافت و زوایای زندگی این راوی بزرگ شیعه را آشکارتر نمود.

احمد بن ادریس قمی از راویانی است که مقبولیت عام داشته و دارای افکار خاص و یا روایات شاذ و نادر نمی باشد. نقل بدون واسطه کلینی در بسیاری از روایات کافی از احمد بن ادریس خود گواه بزرگی و عظمت او می باشد.

شاخصه های فردی

نام او احمد فرزند ادریس و به احمد بن ادریس قمی معروف است. در کتب رجال و تراجم شیعه، نام او احمد بن ادریس بن احمد می باشد و نجاشی نام او را احمد بن ادریس بن احمد ابوعلی الاشعری القمی ثبت نموده است.^۱ اما ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان به نقل از کتاب تاریخ ری نام او را احمد بن ادریس بن زکریا بن طهمان ذکر کرده است.^۲

^۱ - رجال نجاشی، ص ۹۳.

^۲ - لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۳۶.

با توجه به دو نقل مذکور، در نام جد ایشان اختلاف نظر وجود دارد، برخی نام او را زکریا و برخی احمد ذکر کرده اند، اما از آنجا که کتاب تاریخ ری موجود نیست، و با یک واسطه برای ما نقل شده است. نقل ابن حجر به نقل از تاریخ ری - ونجاشی بدون واسطه آن را نقل کرده است، احتمال خطا در گزارش نجاشی کمتر می‌باشد. اما دو سند روایت در کتاب فرحة الغری ص ۷۸ و بحار ج ۹۷ ص ۱۲۱ وجود دارد که در آن نام احمد بن زکریا طهمان آورده شده است که با توجه به این که در هر دو کتاب این فرد از حسن بن علی بن عبد الله بن مغیره در فرحة الغری و حسن بن عبد الله بن مغیره در بحار نقل کرده است این فرد همان احمد بن ادریس است زیرا حسن بن عبد الله بن مغیره از مشایخ احمد بن ادریس است. بنا بر این دو روایت مذکور - که در واقع یک روایت هستند به دلیل نقل بحار از فرحة الغری - دلالت می‌کند که نام جد او زکریا می‌باشد. کنیه وی ابوعلی الاشعری می‌باشد که در بسیاری موارد با این نام در اسناد روایات ذکر شده است گرچه با نام احمد بن ادریس نیز فراوان وجود دارد.

این کنیه مشترک بین احمد بن ادریس قمی و محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک و احمد بن اسحاق بن عبدالله است.

نجاشی درباره محمد بن عیسی بن عبدالله می‌گوید: محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک الاشعری ابوعلی شیخ بزرگ قمیین بوده و بر امام رضا (علیه السلام) وارد شده و از ایشان روایت شنیده است. از امام جواد (علیه السلام) نیز نقل روایت دارد. کتاب خطب از اوست.^۱

احمد بن اسحاق بن عبدالله نیز از بزرگان اشعری و قمی بوده که نام او احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد مالک بن الاحوص الاشعری است و با قمیین در ارتباط بوده و از امام جواد و امام هادی (علیه السلام) روایت نقل می‌کند و طبق نقل نجاشی از اصحاب خاص امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز بوده است. کتاب علل الصوم که کتاب بزرگی بوده و همچنین مسائل الرجال را که از امام هادی (علیه السلام) بوده جمع آوری نموده است.^۲

طبق ادعای مرحوم تستری در قاموس الرجال^۳، این کنیه مخصوص ابن ادریس است و محمد بن عیسی بن عبدالله در همه اسناد با نام ذکر شده است بنابراین مراد از این کنیه به صورت مطلق، ابن ادریس خواهد بود.

^۱ رجال نجاشی، ص ۳۳۹.

^۲ - همان، ص ۹۱.

^۳ - قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۴۲۷.

لقب دیگر این راوی، المعلم بوده که شیخ طوسی آن را عنوان نموده است. شیخ در کتاب رجال در باب اصحاب امام حسن عسکری (علیه السلام) نام او را ذکر کرده و ملاقات با امام و عدم نقل از ایشان را نیز ضمیمه نموده است. (رجال طوسی، ۳۹۸)

ظاهراً مراد از معلم همان معنای امروزی آن است و در آن دوره به فردی اطلاق می‌شده که به اطفال تعلیم می‌داده و به اصطلاح مکتب داشته است.

دو لقب دیگر این راوی که در کنار اسم او ذکر می‌شود لقب اشعری و قمی است. یکی دیگر از القاب احمد بن ادريس، قواد است که در عبارت شیخ طوسی آمده است.

"احمد بن ادريس القمي يكنى ابا علي وكان من القواد"^۱

احمد بن ادريس قمی ، کنیه او ابا علی است از بزرگان بود،

به هر حال از لحاظ لغوی قواد به معنای فرمانده و پیشاهنگ و کسی که رئیس و سر دسته یک طایفه باشد اطلاق می‌شود و به معنای رئیس و بزرگ قوم می‌باشد موید این معنا عبارت ابن طاووس هنگام نقل یک روایت از او است.

ابن طاووس می‌گوید:

"حدثنا ابو محمد هارون بن موسى (ره) قال حدثنا ابو علي الاشعري وكان

قائداً من القواد عن سعد بن عبدالله بن ابي خلف .. الخ .."^۲

ابو محمد هارون بن موسی که رحمت خداوند بر او باد روایت می‌کند که گفت ابو علی اشعری برای ما روایت کرد و ابو علی بزرگی از بزرگان بود. از سعد بن عبدالله بن ابي خلف ... الی آخر الروایه.

تاریخ ولادت این راوی نیز مانند بسیاری از راویان معلوم نیست و در کتب شرح حال نگاری مطلبی در این باره وجود ندارد. اما تاریخ وفات او را همگان ثبت کرده اند. نجاشی و شیخ طوسی در فهرست وفات او را سال ۳۰۶ هـ.ق. در منطقه ای به نام قرعاء ضبط کرده اند. وبقیه رجالیون مانند علامه و ابن داوود نیز همین تاریخ را نگاشته اند. نجاشی در این باره می‌گوید:

"احمد بن ادريس بن احمد ابو علي الاشعري القمي كان ثقة فقيها في اصحابنا

كثير الحديث ، صحيح الرواية له كتاب نوادر ، اخبرني عدة من اصحابنا اجازة

عن احمد بن جعفر بن سفيان عنه ومات احمد بن ادريس با لقرعاء سنة ست

وثلاثمائة من طريق مكة علي طريق الكوفة."^۳

۱- ، رجال طوسی ، ص ۴۱۱.

۲- فلاح السائل ، ص ۲۸۹.

۳- رجال نجاشی ، ص ۹۲.

احمد بن ادريس بن احمد ابو على اشعري قمى، ثقه و مورد اعتماد و فقيه در
ميان اصحاب ماست. روايات اوزياد و صحيح است كتاب نوادر از اوست. عده اى
از اصحاب اين كتاب را براى من به صورت اجازه از احمد بن جعفر بن سفيان از
ابن ادريس نقل کرده اند. احمد بن ادريس در سال ۳۰۶ هـ ق در قرعاء ميان مکه
و کوفه از دنيا رفته است.

ابن حجر عسقلانى نيز تاريخ وفات وى را سال ۳۰۶ هـ ق مى داند و او را از بزرگان مصنفين
را فضه مى شمارد. طبق اين نقل ابن ادريس به قصد مکه از قم خارج شده و از رى عبور کرده و
بين مکه و کوفه وفات نموده است.^۱

با توجه به عبارت نجاشى و ديگران مکان دقيق وفات وى ، منطقه قرعاء بوده که مکانى بى
آب و علف است. اين منطقه در نزديکى کوفه قرار دارد.^۲

از عبارات ذکر شده درباره وفات احمد بن ادريس به دست نمى آيد که او به مکه نرسیده وفات
نموده و يا اين که بعد از انجام اعمال حج در راه برگشت در قرعاء وفات يافته است.

ارتباط علمى

الف. اساتيد

اساتيد احمد بن ادريس حدود ۲۵ نفرند که اسامى آنها در کتب اربعه موجود مى باشد. برخى از
اين افراد از مشايخ بزرگ حديثى شيعه به شمار مى آيند افرادى مانند احمد بن محمد بن خالد برقى،
احمد بن محمد بن عيسى اشعري و محمد بن عبدالجبار قمى. پر تعداد ترين اين اساتيد از لحاظ تعداد
روايات پنج نفرند که به بررسى آن ها پرداخته مى شود.

۱. حسن بن على بن عبدالله بن مغيره

نام وى در اسناد روايات با عنوان حسين بن على کوفى آمده است. اين فرد امامى و ثقه است و
ابن ادريس ۸۹ روايت در کتب اربعه از او نقل کرده است. وى از مشايخ روايى ابن ادريس است
که تعداد روايات نسبتاً زيادى دارد. در کتاب کافى در بسيارى از موارد از او با عنوان الحسن بن
على الكوفى ياد شده است. غالب روايات ابن ادريس از حسن بن على کوفى فقهى بوده و تنها چهار

۱ - لسان الميزان، ج ۱، ص ۱۳۶.

۲ قرعاء مونث کلمه اقراع است و علت نام گذارى آن کم بودن گياه در آن است. منزلى است در راه کوفه به مکه که بعد از مغيبه و قبل از
واقعه است هنگامى که از کوفه به سمت مکه بيايى، و بين مغيبه و قرعاء منطقه زيبديه و مسجد سعد و الخبراء است. رک: معجم البلدان،

ج ۴ ص ۳۲۵.

روایت در جلد اول کافی وجود دارد که از نظر مضمون قابل توجه است. روایت اول در صفحه ۲۵۳ وجود دارد و مضمون آن از دیاد علم امام در شب جمعه است. روایت دوم در صفحه ۳۴۰ و در باره غیبت امام زمان است. روایت سوم در صفحه ۳۹۵ و در مورد آمدن جن به نزد ائمه و سوال از معالم دین است. روایت چهارم نیز در صفحه ۴۳۸ و در باره تفویض امور به ائمه علیهم السلام است.

با توجه به موارد فوق می توان احمد بن ادریس را یکی از سر حلقه های انتقال میراث حدیثی کوفه به قم دانست. زیرا او میراث عقایدی و فقهی حسن بن علی کوفی را نقل نموده است. با توجه به این که احمد بن ادریس در طریق نقل کتاب حسن بن علی کوفی حضور ندارد به احتمال زیاد وی به کوفه رفته و احادیث را شفاها نقل کرده است.

علاوه بر احمد بن ادریس، راویان برجسته دیگری از حوزه قم نیز با حسن بن علی کوفی در ارتباط بوده اند. حسن بن علی کوفی کتابی به نام نوادر داشته که راوی اول آن احمد بن محمد بن خالد برقی است.^۱ محمد بن علی بن محبوب قمی نیز راوی اول کتاب حسن بن علی کوفی در فهرست طوسی است.^۲ با توجه به این دو گزارش، احمد برقی و محمد بن علی بن محبوب اولین ناشران کتاب حسن بن علی کوفی در قم هستند. حسن بن متیل قمی از حسن بن علی کوفی کتاب ثابت بن شریح را نقل نموده^۳ و سعد بن عبد الله نیز از حسن بن علی کتاب جدش عبد الله بن مغیره را نقل نموده است.^۴

۲. احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی

احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی با نام احمد بن محمد بن عیسی و احمد بن محمد در اسناد روایات وجود دارد و احمد بن ادریس ۵۳ روایت را از او نقل می کند. احمد اشعری از مشایخ پر روایت است و از میان مشایخ او می توان به حسن بن علی الوشاء، حسن بن علی بن فضال، حسن بن محبوب، حسین بن سعید اهوازی و احمد بن ابی نصر بزنطی اشاره کرد که این افراد جزء مشایخی هستند که احمد اشعری بیشترین تعداد نقل را از آنان دارد. علاوه بر این که احمد اشعری روایت مستقیم و بی واسطه نیز از امام کاظم و امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام دارد. با توجه به اطلاعات یاد شده می توان چنین گفت که احمد بن ادریس به واسطه احمد اشعری منتقل کننده بخشی از میراث حدیثی کوفیین بوده است. وی هم چنین به همراه داود بن کوره، علی

۱. رجال نجاشی، ص ۶۳.

۲. فهرست طوسی، ص ۱۲۹.

۳. رجال نجاشی ص ۱۱۶.

۴. همان ص ۲۱۵.

بن موسی بن جعفر، محمد بن یحیی و علی بن ابراهیم راوی کتاب ها و میراث حدیثی احمد اشعری است.^۱ روایاتی که احمد بن ادريس از احمد اشعری در کتب اربعه روایت نموده نیز به احتمال زیاد از کتاب های اوست.

۳. محمد بن احمد بن یحیی بن عمران الاشعری

این راوی با عنوان محمد بن احمد و محمد بن احمد بن یحیی در اسناد روایات کتب اربعه آمده است. احمد بن ادريس ۱۰۷ روایت را از او نقل می‌کند. سه روایت مربوط به جلد اول کتاب کافی است که از احادیث اعتقادی است و بقیه موارد روایات فقهی می‌باشد. محمد بن احمد بن یحیی ۱۹۵۸ روایت در کتب اربعه دارد که ابن ادريس حدود ۱۰۷ روایت را نقل کرده است. بنابراین ابن ادريس حدود هفت درصد از میراث حدیثی محمد بن احمد بن یحیی را نقل نموده است.

محمد بن احمد مشایخ زیادی دارد که مهم ترین آنها از نظر تعداد نقل عبارتند از: احمد بن حسن بن علی بن فضال، احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و محمد بن عیسی بن عبید. بنابراین بخشی از میراث کوفه توسط محمد بن احمد به قم منتقل شده و احمد بن ادريس نیز ادامه دهنده همین مسیر است.

نجاشی وی را روایت کننده از ضعفا و بی مبالات در اخذ حدیث و "ثقه فی نفسه" معرفی کرده است. محمد بن حسن بن ولید روایات محمد بن احمد از محمد بن موسی همدانی و روایاتی که "عن رجل" نقل نموده و بسیاری افراد دیگر را استثنا کرده است.^۲

نجاشی نام افراد زیادی را ذکر می‌کند که ابن ولید روایات محمد بن احمد بن یحیی از آنها را استثنا کرده است. اما با مراجعه به روایاتی که ابن ولید از احمد بن ادريس از محمد بن احمد بن یحیی نقل کرده مشاهده می‌شود که در بسیاری موارد احمد بن ادريس روایاتی را از محمد بن احمد بن یحیی نقل می‌کند که او آن روایات را از افرادی نظیر جامورانی و سیاری و محمد بن عیسی بن عبید نقل کرده است. و اینها از مواردی است که ابن ولید آنها را استثنا نموده اما آن ها را نقل کرده و در منابع موجود مانند تهذیب انعکاس یافته است.^۳ شاید بتوان نقل ابن ولید در این موارد را اعتماد بر احمد بن ادريس و واسطه شدن وی در این گونه روایات دانست که در این صورت حکایت از مقبولیت تام و اعتماد کامل ابن ولید بر احمد بن ادريس دارد.

۴. محمد بن حسان الرازی

۱. همان ص ۸۳.

۲. رجال نجاشی ص ۳۴۹.

۳. نک: تهذیب الاحکام، ج ۱ ص ۳۲ و ۲۶۲ و ۲۷۷.

این راوی با نام محمد بن حسان در اسناد روایات آمده است. احمد بن ادريس ۶۵ روایت را از او نقل می‌کند که اکثر آنها روایات فقهی هستند. نجاشی نام او را محمد بن حسان الرازی ابو عبدالله الزینبی ثبت کرده است و می‌گوید « یعرف و ینکر » و از ضعفاً کثیراً روایت می‌کند.^۱ ابن غضائری نیز در کتاب رجال، او را ضعیف می‌داند.^۲

این فرد ۸۶ روایت در کتب اربعه دارد و ابن ادريس ۶۵ روایت که حدود هشتاد درصد روایات اوست را نقل نموده که قابل توجه است. نکته مهم تر این که علاوه بر تضعیف محمد بن حسان در منابع رجالی، مهمترین استاد حدیثی او محمد بن علی ابو سمینه است که به کذب و غلو شهرت دارد. در جلد اول کافی که روایات اعتقادی است چهار روایت وجود دارد که احمد بن ادريس از محمد بن حسان رازی و او از محمد بن علی ابو سمینه نقل می‌کند. مضمون این روایات درباره غیبت و تشخیص صدق مدعی امامت و روایت تفسیری است.^۳

محمد بن یحیی العطار و احمد بن ادريس راوی اول کتاب های محمد بن حسان هستند.^۴ به احتمال زیاد این دو نفر به ری رفته و روایات محمد بن حسان را شنیده و کتاب های وی را استنساخ کرده اند چنان که رویه غالب در انتقال میراث مکتوب این گونه بوده است.

۵. محمد بن عبدالجبار قمی

احمد بن ادريس ۸۳۱ روایت را در کتب اربعه از او نقل می‌کند و به لحاظ تعداد، بیشترین روایت را از او نقل نموده است. از این تعداد ۵۹۳ روایت مربوط به کتاب کافی می‌باشد. غالب روایت های ابن ادريس از محمد بن عبدالجبار، روایات فقهی است. این راوی با نام محمد بن عبدالجبار در اسناد روایات ذکر شده است. نام وی در کتب رجال محمد بن ابی الصهبان است. شیخ در رجال وی را قمی و ثقه و از اصحاب امام هادی (ع) معرفی می‌کند.^۵

در باب اصحاب امام جواد (علیه السلام) نیز نام او را ذکر کرده و توثیقی در مورد او ندارد.^۶ در باب اصحاب امام عسگری (علیه السلام) نیز نام او را ذکر کرده و وی را قمی و ثقه می‌داند.^۷

۱ - رجال نجاشی، ص ۳۳۸

۲ - رجال ابن غضائری، ص ۹۵

۳ . نک: کافی ج ۱ ص ۳۴۳ و ۳۴۵.

۴ . رجال نجاشی ص ۳۳۸.

۵ - رجال شیخ، ص ۳۹۱

۶ - همان ص ۳۷۸

۷ - همان ص ۴۰۱

در باب من لم یرو عنهم (علیه السلام) نیز نام او را با عنوان محمد بن ابی الصهبان عبدالجبار ذکر می‌کند و توثیقی در مورد او ندارد.^۱

مرحوم خویی در معجم رجال حدیث محمد بن عبدالجبار شیبانی را با محمد بن عبدالجبار و محمد بن ابی الصهبان متحد می‌داند و آنها را یک نفر معرفی می‌کند.^۲

به لحاظ آماری محمد بن عبدالجبار ۹۵۱ روایت در کتب اربعه دارد و ابن ادریس ۸۳۱ روایت را از او نقل نموده که رقم بالایی است و نشان از اعتماد ابن ادریس به او دارد. مشایخ مهم محمد بن عبد الجبار، حسن بن علی بن فضال، صفوان بن یحیی و محمد بن اسماعیل بن بزیع هستند. با توجه به کوفی بودن مشایخ محمد بن عبد الجبار، او نیز منتقل کننده بخشی از میراث حدیثی کوفه به قم بوده است.

اساتید یاد شده مربوط به اساتید واقع در اسانید روایات و کتب اربعه است. با مراجعه به کتب فهرستی، افراد دیگری نیز اضافه می‌گردند. محمد بن الحسن الصفار در چهار طریق^۳ (نک نجاشی، ۴۰، ۲۰۱، ۷۸) و محمد بن علی بن محبوب در سه طریق^۴ و علی بن احمد بن قتیبه نیشابوری در دو طریق^۵ جزء مشایخ فهرستی احمد بن ادریس هستند.

با نگاهی به اساتید بی واسطه و با واسطه ابن ادریس، به این نکته پی می‌بریم که برخی از آنان تضعیف و حتی متهم به جعل و وضع شده اند و با این حال فردی مانند ابن ادریس از آنان روایت کرده و روایات آنان در کتب معتبری مانند کافی نیز انعکاس یافته است و این خود شاهدی است بر متن محور بودن راویان نه راوی محور بودن آنان و شواهد فراوان دیگری نیز بر این مطلب وجود دارد.

ب. شاگردان

در اسناد کتب اربعه حدود ۱۰ نفر از ابن ادریس روایت نقل کرده‌اند. دو تن از این افراد فرزندان وی هستند که به آنها اشاره خواهد شد. مهم ترین این شاگردان چهار نفرند که بیشترین تعداد نقل از ابن ادریس را دارا می‌باشند.

۱. حسین بن علی بن سفیان البزوفری

^۱ - همان ص ۴۴۸

^۲ - معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۰۴

^۳ . نک: رجال نجاشی ص ۴۰ و ۷۸ و ۲۰۱.

^۴ . همان ص ۷۹.

^۵ . همان ص ۲۵۹ و ۳۰۷.

این فرد ۲۶ روایت را از ابن ادریس در کتب تهذیب و استبصار نقل می‌کند. نام وی در اسناد روایات ابو عبدالله بزوفری و البزوفری آمده است. تمامی روایات وی از ابن ادریس فقهی بوده و در کتاب تهذیب و استبصار موجود است.

نجاشی نام او را حسین بن علی بن سفیان بن خالد بن سفیان ابو عبدالله البزوفری ضبط نموده و وی را شیخ وثقه و جلیل القدر می‌داند. کتاب‌هایی مانند کتاب الحج، کتاب ثواب الاعمال و کتاب احکام العبید از وی می‌باشد که نجاشی این کتاب (احکام العبید) را بر استاد خود ابو عبدالله قرائت کرده است.^۱

کنیه این فرد، ابی عبد الله است و در اسناد بسیاری از روایاتی که از ابن ادریس نقل کرده با همین کنیه است.^۲ شیخ طوسی گزارشی در کتاب الغیبه نقل کرده که ممکن است وکالت وی از ناحیه مقدسه را ثابت کند. فردی به نام حسن بن علی بن ابی طالب جرجانی از اختلاف مردی بر سر فرزند خود در قم گزارش می‌کند و آن مرد فرزند خود را نفی می‌کرده است. پس از مکاتبه با ناحیه مقدسه جواب نامه به دست شیخ که ظاهراً نایب دوم است می‌رسد و او از گشودن نامه خود داری کرده و آن را به ابی عبد الله بزوفری حواله می‌دهد. بزوفری نامه را گشوده و حکم امام را قرائت می‌کند.^۳ مرحوم مجلسی در ذیل این روایت احتمال داده که وی از سفرای امام عصر باشد گرچه احتمالات دیگری را نیز مطرح کرده است.^۴

۲. علی بن حسین بن بابویه

نجاشی نام او را علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی ذکر کرده و کنیه وی ابوالحسن بوده و شیخ قمیین و فقیه و مورد اعتماد آنان در عصر خود بوده است. وی با ابوالقاسم حسین روح در عراق ارتباط داشته و نامه‌ای را توسط علی بن جعفر بن اسود به حسین بن روح می‌رساند که به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برساند و از امام (علیه السلام) تقاضای فرزند نموده است.

امام (علیه السلام) در جواب می‌نویسد برای تو دعا نمودیم خداوند دو فرزند پسر و خیر به تو عطا خواهد نمود که دو فرزند وی ابو جعفر شیخ صدوق و ابو عبدالله است و کتب زیادی داشته که

^۱ - رجال نجاشی، ص ۶۸

^۲ . نک: تهذیب ج ۷ ص ۲۷۹ و ج ۸ ص ۲۳۹.

^۳ . الغیبه طوسی ص ۳۰۸.

^۴ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۲۵.

از جمله آنها کتاب التوحید، کتاب الوضوء، کتاب الصلوة، کتاب الجنائز، کتاب الامامة و التبصرة من الحيرة می‌باشد. علی بن الحسین در سال ۳۲۹ هـ.ق در سال تناثر نجوم از دنیا رفته است.^۱ روایات ابن بابویه از ابن ادریس فقهی بوده و در کتاب تهذیب و استبصار انعکاس یافته است.

۳. محمد بن الحسن بن احمد بن الولید

ابن ولید ۶۰ روایت را در کتب اربعه از احمد بن ادریس نقل می‌کند. این روایات، روایات فقهی بوده و در دو کتاب تهذیب و استبصار نقل شده است. حدود نیمی از این روایات توسط احمد بن محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، فرزند محمد بن الحسن بن احمد بن ولید، تحت عنوان "احمد بن محمد بن الحسن بن احمد بن ولید عن ابیه عن احمد بن ادریس" می‌باشد و بقیه با عنوان محمد بن الحسن است. نجاشی کنیه وی را ابوجعفر ذکر نموده و او را شیخ القمیین و فقیه و متقدم و وجه قمیین معرفی می‌کند و گفته می‌شود وی ساکن قم بوده و اصالتاً قمی نبوده است. نجاشی دوبار کلمه ثقه را در مورد او به کار می‌برد و عنوان عین و مسکون الیه را به او نسبت می‌دهد. کتب و تصنیفاتی داشته که کتاب تفسیر القرآن و کتاب الجامع از اوست. ابن ولید در سال ۳۴۳ وفات نموده است.^۲ اعتماد راوی دقیقی مانند ابن ولید به احمد بن ادریس قابل توجه و نشان از اعتماد وی به ابن ادریس دارد. شاید بتوان روایاتی را که ابن ولید از ابن ادریس و او از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران به نقل از افرادی که خود ابن ولید روایاتشان را استثنا کرده (در بررسی محمد بن احمد بن یحیی گذشت) در اعتماد به ابن ادریس جستجو نمود.

۴. محمد بن یعقوب الکلینی

کلینی ۱۰۸۶ روایت را از احمد بن ادریس نقل نموده است. کلینی در کتاب کافی، تمامی این روایات را بدون واسطه و با عنوان احمد بن ادریس و ابوعلی اشعری قمی نقل می‌کند. حجم و تعداد قابل توجه روایات کلینی از احمد بن ادریس نشان عظمت و بزرگی و اعتماد کلینی به این راوی داشته است. از این تعداد، حدود هفتاد روایت اعتقادی و بقیه آن ها فقهی و یا اخلاقی است. نام او محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی و کنیه وی ابوجعفر می‌باشد. شیخ و بزرگ اصحاب در زمان خود در ری بوده و مورد اعتمادترین مردم در حدیث و اثبوت و اضبط در حدیث بوده است. کلینی در سال ۳۲۹ هـ.ق در سال تناثر نجوم در بغداد وفات نمود و محمد بن جعفر الحسنی معروف به ابوقیراط بر جنازه او نماز خواند و در باب الکوفة بغداد به خاک سپرده شد.^۳

۱ - رجال نجاشی، ص ۲۶۲

۲ - رجال نجاشی، ص ۳۸۴

۳ - رجال نجاشی، ص ۳۷۸

احمد بن ادريس در عده كليني به احمد بن محمد بن عيسي در کنار محمد بن يحيى و داود بن كوره و على بن موسى كمنداني و على بن ابراهيم نيز حضور دارد.^۱

احمدبن ادريس دو فرزند دارد كه هر دو از راويان حديث بوده و جزء مشايخ مرحوم صدوق مي باشند و نام آنها حسن بن احمدبن ادريس و حسين بن احمد ادريس مي باشد. اين دو برادر از پدر خود رواياتي را در كتب اربعه و غير آن نقل کرده اند.

حسين با عنوان الحسين بن احمدبن ادريس ۴ روايت را در كتاب تهذيب از پدر خود احمدبن ادريس نقل نموده است. اين روايات را محمد بن احمد بن داود قمي به نقل از حسين بن احمدبن ادريس از احمدبن ادريس نقل کرده است. البته به جز يك روايت، در سه روايت ديگر نام حسن بن احمدبن ادريس آمده كه بنا بر تحقيق انجام شده در اصل حسين بن احمد بن ادريس بوده است. شيخ در رجال در باب من لم يرو عنهم (عليه السلام) نام او را با عنوان حسين بن احمد بن ادريس قمي اشعري ابا عبدالله ذكر مي كند تلعبري از او روايت کرده و حسين بن احمد به او اجازه نقل روايت داده است.^۲

در همين باب تحت عنوان باب الحاء بار ديگر نام او را ذكر مي كند و مي گويد محمدبن علي بن حسين بن بابويه - شيخ صدوق - از او روايت نقل مي كند.^۳ درباره وي ثوثيق ويا مدح در كتاب رجال وجود ندارد.

حسن بن احمد بن ادريس در كتب اربعه ۲ روايت دارد كه يك روايت با عنوان الحسن بن احمد بن ادريس است و روايت ديگر با عنوان الحسن بن احمدبن ادريس قمي . با عنوان اول در جلد ششم تهذيب صفحه ۸۵ روايتي با اين سند نقل شده است: محمدبن احمدبن داود عن الحسن بن احمدبن ادريس عن ابيه عن علي بن الحسين عن عبدالله بن موسى عن احمدبن محمد بن ابي نصر . روايت دوم: محمد بن احمدبن داود القمي عن الحسن بن احمد بن ادريس القمي قال حدثنا ابي قال حدثنا الحسن بن علي الدقاق عن ابراهيم بن الزيات قال حدثني محمدبن سليمان زرقان وكيل الجعفري اليماني قال حدثني الصادق بن الصادق علي بن محمد صاحب العسكر (عليه السلام).^۴

با توجه به تحقيق انجام شده در نرم افزار درايه النور، اين دو روايت در ذيل عنوان الحسين بن احمد بن ادريس قمي آمده كه قبلاً به آن اشاره شد و در واقع حسن را تصحيف حسين مي دانند. بنا بر اين نظر، حسن بن احمد وجود خارجي نداشته و دو روايتي كه از او نقل شد در واقع روايت

۱ . خلاصة الاقوال ص ۲۷۲ .

۲ - رجال شيخ ، ص ۴۲۳ .

۳ - همان، ص ۴۲۵ .

۴ . المزار (مفيد) ص ۲۰۲ .

حسین بوده است اما با مراجعه به آثار مرحوم صدوق نظیر عیون الاخبار (علیه السلام) کتاب خصال، کمال الدین و معانی الاخبار روایات متعددی مشاهده می‌شود که شیخ صدوق آنها را از حسن بن احمد بن ادریس به نقل از پدرش احمد بن ادریس قمی نقل می‌کند و بعید است که تمامی این موارد تصحیف یا تحریف از نام حسین بن احمد بن ادریس باشد.

شاگردان فهرستی ابن ادریس عبارتند از احمد بن جعفر بن سفیان که نام او از همه بیشتر در کتب فهرست ذکر شده است. نام وی در حدود ۳۴ طریق وجود دارد. احمد بن محمد بن یحیی العطار نیز از شاگردان فهرستی اوست که در حدود یازده طریق حضور دارد.

هارون بن موسی تلعبیری را نیز باید از شاگردان ابن ادریس به شمار آورد. شیخ طوسی در ذیل نام ابن ادریس، تلعبیری را راوی از او دانسته و او (تلعبیری) در خانه ابن همام احادیث کمی را از ابن ادریس شنیده و اجازه نقل روایت از وی نداشته است.^۱

نام اصلی ابن همام، محمد بن ابی بکر همام بن سهیل الکاتب الاسکافی است. وی کثیر الحدیث و دارای جایگاه والایی بوده و در سال ۳۳۶ وفات نموده است. با توجه به برخی قرائن^۲ وی ساکن بغداد بوده و طبق گزارش شیخ از تلعبیری، ابن ادریس در بغداد و در منزل ابن همام احادیثی را برای هارون بن موسی تلعبیری نقل نموده است.

ج. معاصران

احمد بن ادریس متوفای ۳۰۶ هـ.ق است و طبعاً روایانی که در حدود سالهای ۲۷۰ تا ۳۰۰ ق بوده‌اند جزء روایان هم طبقه وی خواهند بود. از آنجا که احمد بن ادریس از مشایخ کلینی است و در ابتدای اسناد کافی قرار دارد، افرادی هم که در ابتدای اسناد کتاب کافی باشند، هم طبقه احمد بن ادریس خواهند بود.

محمد بن یحیی ابوجعفر العطار القمی از روایانی است که کلینی روایات زیادی را از او نقل می‌کند نجاشی وی را شیخ اصحاب در زمان خودش و ثقه و عین و کثیر الحدیث معرفی می‌کند برخی کتابهای او عبارتند از کتاب مقتل الحسین (علیه السلام) و کتاب النوادر.^۳

محمد بن الحسن بن فروخ الصفار از روایان هم طبقه احمد بن ادریس است، نجاشی وی را وجه اصحاب قمی و ثقه و عظیم القدر و قلیل السقط در روایات معرفی می‌کند. کتابهای متعددی داشته است از جمله کتاب الصلاة، کتاب الوضوء کتاب الجنائز و کتب دیگر. اما مهم‌ترین کتاب و

^۱ . رجال طوسی ص ۴۱۱.

^۲ . کشی در گزارشی نام محمد بن همام بغدادی را ذکر کرده است. (کشی، ۲۵۹)

^۳ - رجال نجاشی، ص ۳۵۴

معروف ترین کتاب‌های او بصائر الدرجات است که روایات آن در مقام و منزلت ائمه (علیهم السلام) می‌باشد. ابن ولید تمام کتاب‌های او به جز بصائر الدرجات را نقل کرده است.^۱ عبدالله بن جعفر الحمیری از راویان بزرگ شیعه و از معاصران احمد بن ادریس است. کنیه او ابوالعباس قمی و ثقه است. کتب متعددی از جمله کتاب الدلائل و کتاب الطب و کتاب الامامة و غیرهم دارد. کتاب معروف وی قرب الاسناد است.^۲

سعدبن عبدالله بن ابی خلف الاشعری القمی، کنیه وی ابوالقاسم و از معاصران احمدبن ادریس است. شیخ الطائفه و فقیه و وجه اصحاب بوده است. با مشایخ عامه ملاقات نموده و از آنان روایات زیادی را شنیده است. با امام حسن عسکری (ع) هم ملاقات داشته است. سعدبن عبدالله کتب متعددی از جمله کتاب الصلوة، کتاب الزکاة و کتاب الصوم و کتب دیگر دارد اما معروف ترین آنها کتاب الرحمه است. وی در سال ۳۰۱ و به نقلی در سال ۲۹۹ هـ.ق وفات نموده است.^۳

علی بن ابراهیم بن هاشم ابوالحسن القمی، او نیز از معاصران احمدبن ادریس است که در روایات زیادی در ابتدای اسناد کافی نام او موجود است و کلینی روایات زیادی را از او نقل می‌کند. کتاب معروف وی کتاب تفسیر است که به تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر قمی شهرت دارد.

نجاشی او را ثقه در نقل حدیث و ثبت و معتمد و صحیح المذهب معرفی می‌کند.^۴ با بررسی طرق کتاب فهرست طوسی، به موارد عدیده ای برخورد می‌کنیم که در آن‌ها سه نفر که با احمد بن ادریس معاصر هستند، همراه با خود ابن ادریس در طریق واقع شده اند. این افراد عبارتند از سعد بن عبد الله، عبد الله بن جعفر حمیری و محمد بن یحیی. به عنوان مثال در طریق شیخ طوسی به کتب حریر چنین آمده است:

اخبرنا عدة من اصحابنا عن محمد بن علی بن الحسين عن ابيه عن سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر (حمیری) و محمد بن یحیی و احمد بن ادریس و علی بن موسی بن جعفر کلهم عن احمد بن محمد.^۵

^۱ - همان، ص ۳۵۵

^۲ - فهرست طوسی، ص ۳۹۴

^۳ - رجال نجاشی، ص ۱۷۸

^۴ - همان، ص ۲۶۱

^۵ فهرست طوسی، ص ۱۶۳

از این دست طرق در کتاب فهرست طوسی فراوان است و نشان از ارتباط گسترده علمی بین این افراد در نقل کتب و آثار راویان و مولفان شیعه دارد، زیرا همگی آن ها در نهایت از یک نفر نقل کرده اند .

د. ارتباط با امام

تاریخ ولادت احمد بن ادریس معلوم نیست اما با توجه به تاریخ وفات او در سال ۳۰۶ هـ.ق حداقل زمان امام حسن عسگری (علیه السلام) را درک نموده است. چنان که قبلاً به آن اشاره شد، شیخ طوسی در کتاب رجال در باب اصحاب امام حسن عسگری (علیه السلام) نام وی را ذکر کرده و می‌گوید: با امام ملاقات داشته، اما روایت نکرده است. با مراجعه به اساتید و روایات نیز روایتی که مستقیماً از امام نقل کند، وجود ندارد. کمترین تعداد واسطه نقل در روایات ابن ادریس مربوط به کتاب کافی جلد اول صفحه ۹۷ است که احمد بن ادریس از احمد بن اسحاق روایت می‌کند که به امام هادی (علیه السلام) مکاتبه نموده است.

در سه مورد نیز از امام حسن عسگری (علیه السلام) با یک واسطه نقل می‌نماید؛ مورد اول در کتاب کافی جلد سوم صفحه ۳۹۹ است که ابن ادریس از محمد بن عبدالجبار نقل می‌کند که او به امام عسگری نامه می‌نویسد، مورد دوم در کتاب تهذیب جلد ۲ ص ۲۰۷ است که کلینی از ابن ادریس و او از محمد بن عبدالجبار نقل می‌نماید و مکاتبه‌ای که محمد بن عبدالجبار با امام عسگری (علیه السلام) داشته است، مورد سوم در کتاب استبصار جلد اول ص ۳۸۵ است که محمد بن یعقوب از احمد بن ادریس و او از محمد بن عبدالجبار روایت می‌کند این روایت نیز مکاتبه‌ای است که محمد بن عبدالجبار با امام عسگری (علیه السلام) داشته است.

آثار

احمد بن ادریس قمی از راویانی است که تألیفات زیادی نداشته گرچه نام او در سند بسیاری از روایات به چشم می‌خورد. بنابراین وی جنبه انتقال دهنده میراث حدیث داشته و در این زمینه حضور فعالی دارد.

تنها کتابی که به وی نسبت داده می‌شود کتاب نوادر است که بسیاری از روایان حدیث شیعه کتابی با این عنوان داشته‌اند. نجاشی این کتاب را از عده ای از اصحاب به صورت اجازه از احمد بن جعفر بن سفیان گزارش کرده است.^۱

شیخ در فهرست طریق به کتاب ذکر نمی‌کند و طریق خود به روایات او را حسین بن عبدالله به نقل از احمد بن جعفر بن سفیان بن البزوفری عن احمد بن ادريس معرفی می‌کند.^۲

مرحوم خوئی طریق شیخ به احمد بن ادريس در فهرست را به علت وجود احمد بن جعفر بن سفیان ضعیف می‌داند اما طریق شیخ در مشیخه را صحیح می‌داند.^۳

نام احمد بن ادريس در حدود ۱۰۰ طریق از طرق کتاب‌های فهرست نجاشی و فهرست طوسی آمده است که رقم بالایی به شمار می‌رود. در تمامی این موارد در طریق نجاشی و شیخ به کتب و تصانیف اصحاب، نام احمد بن ادريس وجود دارد که حکایت از کثیر الاجازه بودن وی در نقل کتب و تصانیف روایان حدیث می‌کند.

با بررسی طرق مذکور می‌توان تا حدودی میراث حدیثی را که ابن ادريس منتقل کرده است ترسیم نمود که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

کتب و روایات علی بن یقطين که عبارتند از کتاب ما سئل من الصادق من الملاحم، مسائل ابی الحسن موسی و کتاب مناظرة الشاک بحضرته. ابن ادريس به همراه سعد بن عبدالله، حمیری و محمد بن یحیی العطار این کتاب‌ها را از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن علی بن یقطين نقل کرده است.^۴

کتب و روایات فضل بن شاذان. فضل فقیه و متکلم بوده و کتب زیادی داشته است. از جمله کتاب الفرائض و کتاب الطلاق در فقه و کتاب الرد علی الغلاة و کتاب الرد علی المرجئة. غالب تألیفات فضل کلامی و در رد فرقه‌هایی مانند غلات و خوارج بوده است. احمد بن ادريس با واسطه ابن قتیبه نیشابوری از فضل بن شاذان این کتاب‌ها را منتقل نموده است.^۵ طریق شیخ طوسی و نجاشی به آثار فضل همین طریق است. شیخ طوسی علاوه بر این طریق، طریق دیگری نیز به کتاب دارد. در این طریق شیخ صدوق از حمزة بن محمد علوی از قنبر بن علی بن شاذان

^۱ . رجال نجاشی ص ۹۲.

^۲ - فهرست طوسی، ص ۶۵.

^۳ - معجم رجال حدیث، ج ۲، ص ۴۳.

^۴ فهرست طوسی ص ۲۷۱

^۵ همان ص ۳۶۳

از پدر خود که برادر فضل است، از فضل بن شاذان روایت کرده است.^۱ با توجه به این گزارش ها احمد بن ادريس را بايد يکي از شاخه های اصلی انتقال آثار فضل به قم دانست. از آنجا که گزارشی از حضور ابن قتیبه نیشابوری در قم وجود ندارد به احتمال زیاد ابن ادريس برای اجازه و نقل آثار فضل بن شاذان سفری به نیشابور داشته است.

کتاب محمد بن اسماعیل بن بزيع. این فرد کتاب هایی از جمله کتاب الحج داشته است. میراث حدیثی ابن بزيع توسط سعد بن عبد الله، حمیری، احمد بن ادريس و محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن حسین بن ابی الخطاب انتقال یافته است.^۲

کتاب احمد بن محمد بن عیسی اشعری که دارای تالیفات زیادی است از جمله کتاب التوحید، کتاب المتعة، نوادر و ناسخ و منسوخ. میراث احمد اشعری را کلینی به نقل از علی بن ابراهیم، محمد بن یحیی، علی بن موسی بن جعفر، داود بن کوره و احمد بن ادريس از احمد بن محمد بن عیسی منتقل نموده است.^۳ احمد اشعری از سر شاخه های انتقال میراث حدیثی کوفه به قم است و در طبقه بعد، شاگردان اصلی وی از جمله احمد بن ادريس نقش ویژه ای در انتشار این میراث حدیثی در قم داشتند.

کتاب صفوان بن یحیی که درباره او گفته شده کتاب هایی مانند کتب حسین بن سعید داشته است. احمد بن ادريس به همراه صفار، سعد بن عبد الله و محمد بن یحیی از طریق محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و یعقوب بن یزید انباری میراث صفوان بن یحیی را انتقال داده است.^۴ محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از محدثان کوفه و یعقوب بن یزید انباری از نویسندگان دربار منتصر عباسی در بغداد بوده است. با توجه به این نکته، صفار، سعد بن عبد الله، محمد بن یحیی و ابن ادريس با کوفه و بغداد در ارتباط بوده و به احتمال زیاد به آنجا سفر کرده اند چنان که در شرح حال برخی از آنان مانند سعد بن عبد الله به سفر های متعدد وی برای طلب حدیث اشاره شده است.^۵

کتاب حریر بن عبد الله سجستانی. وی کتاب های مختلفی از جمله کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصیام و کتاب النوادر دارد که به گفته شیخ "تعد کلها فی الاصول". این میراث حدیثی را سعد بن عبد الله، حمیری، محمد بن یحیی، علی بن موسی بن جعفر و ابن ادريس به نقل از احمد بن

^۱. همان.

^۲. همان ص ۴۴۱.

^۳ رجال نجاشی ص ۸۳.

^۴ فهرست طوسی ص ۲۴۳.

^۵. رجال نجاشی ص ۱۷۸.

محمد بن عیسی اشعری از حسین بن سعید و علی بن حدید و عبد الرحمان بن ابی نجران از حماد بن عیسی جهنی از حریر گزارش کرده اند.^۱

کتاب حسین بن سعید اهوازی، کتاب های سی گانه حسین بن سعید از شهرت فراوانی برخوردار بوده و دارای نسخه های فراوان و مشهوری بوده است. نجاشی به این کتاب ها طرق متعددی دارد اما طریقی که مورد اعتماد اصحاب است طریقی است که احمد بن ادريس اشعری از احمد بن محمد بن عیسی اشعری از حسین بن سعید نقل نموده است.^۲ با توجه به این گزارش راوی آثار حدیثی حسین بن سعید از احمد اشعری، احمد بن ادريس بوده علاوه بر این که نجاشی این طریق را مورد اعتماد اصحاب می‌داند.

ابن ادريس در طریق کتاب علی بن مهزیار اهوازی، حسن بن علی بن فضال، سلمة بن الخطاب، ابن قتیبه نیشابوری و محمد بن علی بن محبوب اشعری و بسیاری کتب دیگر نیز حضور دارد که از شهرت کم تری نسبت به کتاب های مطرح شده بر خوردار می‌باشند.

با دقت در طریق آثار یاد شده، وجود احمد اشعری در بسیاری از طرقی که ابن ادريس آن را گزارش نموده دیده می‌شود و چنان که اشاره شد احمد بن محمد بن عیسی برجسته ترین استاد وی در انتقال میراث مکتوب راویان است.

نتیجه‌گیری

۱- غالب مشایخ ابن ادريس مانند احمد بن محمد بن عیسی منتقل کننده میراث حدیثی کوفه به قم هستند و خود ابن ادريس نیز تنها یک تالیف از او گزارش شده اما در طریق بسیاری از آثار قرار داشته و جنبه انتقال دهندگی او برجسته است.

۲- برخی از مشایخ با واسطه یا بی واسطه وی متهم به جعل، وضع و یا غلو شده و تضعیف شده اند با این حال در مورد خود ابن ادريس در منابع رجالی کوچک ترین نکته منفی وجود ندارد و این نکته از بهترین شواهد بر متن محور بودن قدما در قبول یا رد روایات است.

۳- تنوع آثاری که ابن ادريس منتقل نموده قابل توجه است. علاوه بر آثار فقهی، آثار کلامی فراوان مانند میراث حدیثی فضل بن شاذان نیز در میان آن ها به چشم می‌خورد

^۱. فهرست طوسی ص ۱۶۳.

^۲. رجال نجاشی ص ۵۹.

۴- احمد بن ادريس به همراه سعد بن عبدالله، حميرى و محمد بن يحيى العطار منتقل کننده بسيارى از آثار حديث كوفه با واسطه احمد بن محمد بن عيسى و در برخى موارد بدون واسطه و از طريق مشايخ كوفه هستند.

۵- با بررسى و دقت در آثارى كه ابن ادريس منتقل نموده به احتمال زياد وي نيز مانند سعد بن عبدالله مسافرت هاى حديثى به نقاطى مانند كوفه، بغداد و نيشابور داشته هر چند در منابع موجود انعكاس نيافته است.

كتاب نامه

- بحار الانوار، علامه مجلسى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۳ ق.
- تاريخ قم، حسن بن محمد قمى، قم، آستانه مقدسه، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ش.
- تهذيب الاحكام، شيخ طوسى، تهران، انتشارات اسلاميه، ۱۴۰۷ ق.
- جامع الرواة، اردبيلى، بيروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ ق.
- خلاصة الاقوال، علامه حلى، نجف اشرف، دار النخائر، ۱۴۱۱ ق.
- رجال ابن غضائرى، ابن غضائرى، قم، دار الحديث، ۱۳۶۴ ش.
- رجال الطوسى، شيخ طوسى، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳ ش.
- رجال الكشى، ابو عمرو كشى، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
- رجال نجاشى، نجاشى، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۵ ش.
- الغيبة، شيخ طوسى، قم، دار المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۱ ق.
- فلاح السائل و نجاح المسائل، سيد بن طاووس، قم، بوستان كتاب، ۱۴۰۶ ق.
- فهرست، شيخ طوسى، قم، كتابخانه محقق طباطبايى، ۱۴۲۰ ق.
- قاموس الرجال، علامه تسترى، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ ق.
- الكافى، شيخ كلينى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ ق.
- لسان الميزان، ابن حجر عسقلانى، بيروت، اعلمى، ۱۳۹۰ ق.
- المزار، شيخ مفيد، قم، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، ۱۴۱۳ ق.
- معجم البلدان، ياقوت حموى، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.
- معجم رجال الحديث، آيت الله خويى، بيروت،